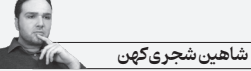


به فکر اعتبار خودت نیستی بر گزار کننده عزیز؟!



شاهین شجری کهن

دوستی از همکاران خوشنام قدیمی که قلم و قوه تحلیلش اعتبار و جاهتسی دارد، تعریف می کرد: «در جشنواره امسال به دلایلی که قابل حدس است، حضور م از نصف‌ونیمه هم کمتر بوده و جز چند فیلمی که پیش از آغاز جشنواره دیده‌ام و یکی دو مورد که از روی کنجکاوی یا به دعوت فیلمساز به دیدن فیلمی رفتم، تقریباً چیز زیادی از ویرترین جشنواره دستگیرم نشده و خیلی از فیلم‌ها برایم مجهول و ناشناس‌اند؛ اما از همین چندتایی که دیده‌ام، یکی دو فیلم واقعاً «ضداعتبار» و ویرانگر کلاس هر جشنواره سینمایی معتبری‌اند. هیچ جوری نمی‌شود فهمید که چطور برگزار کنندگان سختگیر جشنواره با آن همه فیلتر ریز و درشت و حذف آن همه چهره شاخص و قلع‌وقمع فیلم‌های کارگردان‌های سرشناس، ناگهان چنین دست‌پاز و آسان‌گیر و خطابوش می‌شوند و به فیلم‌هایی در بخش مسابقه راه می‌دهند که اصلاً به قیافه‌شان نمی‌خورد مناسب جشنواره استانی جیم و دال هم باشند!»

اینکه روابط و مناسبات گروهی و بین‌گروهی بیداد می‌کند و قانون و قاعده برای همه افراد به‌صورت یکسان اجرا نمی‌شود، حرف جدیدی نیست. کمتر کسی در سینما و مطبوعات کار کرده که نداند رفاقت با برخی چه درهای بسته‌ای را می‌تواند بی‌چک‌وچانه باز کند؛ اما به هر حال، هر رانت و اغماض و حق ویژه و امتیازی هم برای خودش راه و روشی دارد و حد و حدودی. آیا برگزار کنندگان محترم برای خودشان بند نمی‌دانند که فیلمی با کیفیت ویدئویی و سمره‌بندی، بدون حتی یک‌نمای درست و قابل‌دفاع، با قصه‌ای که اصلاً سر و ته ندارد و اجرایی خاد مستانه در ده‌ها سالن برای صدها تماشاگری که سرشان توی حساب است، نمایش داده شود؟ واقعاً به رفاقت‌های بعضی از دوستان غیبطه می‌خورم، چه چیزهایی را پای رفاقت فدا می‌کنند. حق ده‌ها سینماگر جوان و صاحبان فیلم‌هایی بهتر از امثال «شکار حلزون» (محسن جسور) که بیرون از جشنواره ماندند چه می‌شود؟ اینها حق‌الناس نیست؟

مهدی شاه‌محمدی از تجربه ساخت نخستین فیلم بلندش **مجنون** می‌گوید

فهرمان هن

زهینی است

◀ **ناصر احمدی**

مهدی شاه‌محمدی در نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش کلمات تحت تأثیر سینمای مستند است. به‌گفته خودش، در هنرستان روایت فتح درس خوانده که در آن محیط، فیلم‌های مستند اهمیت زیادی داشته‌اند و خودش هم سال‌ها مستند ساخته و اینطور که از حرف‌هایش مشخص است واقع‌گرای مستندگونه جایگاه خاصی در مختصات فکری او از سینما دارد. باید نخستین فیلم بلندش، «مجنون» را دید تا بتوان قضاوت کرد چقدر در خلق فضای مستند در فیلمش موفق بوده است؛ خصوصاً که او با محمدحسین مهدویان که در کارهای نخستش به سینمای مستند گرایش واضحی داشت، هم‌دوره بوده و مقایسه بین او و مهدویان ناگزیر است. در خلاصه داستانی که منتشر شده آمده «مجنون» درباره برادران زین‌الدین و لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب و عملیات خیبر است. گفت‌وگوی ما با شاه‌محمدی از همین خلاصه داستان شروع شد و به گرایش او در سینما و علت ورودش به سینمای داستانی رسید.

بگذارید از این شروع کنیم که اصلاً «مجنون» درباره شهید مهدی زین‌الدین است یا عملیات خیبر یا لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب؟ هر ۳تا در واقع، بهانه ما مهدی زین‌الدین و البته برادر ایشان مجید زین‌الدین است و برهه‌ای که انتخاب کردیم زمستان ۱۳۶۲ است. در این زمان مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب بود و کاری که انجام داد حضور در جزایر مجنون برای عملیات خیبر است؛ بنابراین ما هر سه را می‌بینیم؛ هم مهدی و مجید زین‌الدین را می‌بینیم و در واقع پرت‌های از آقا مهدی را، هم عملیات خیبر و هم به‌جایه لشکر ۱۷ را. **فیلم به زندگی خانوادگی برادران زین‌الدین هم پرداخته یا نه، همه فیلم در جبهه می‌گذرد؟**
اغلب قصه در مناطق جنگی است، ولی به حال در فیلم رابطه خانوادگی شخصیت اصلی فیلم هم وجود دارد، کم و محدود، اما به هر حال هست.

۲سال پیش در جشنواره چهلم، فیلم «موقعیت مهدی» ساخته هادی حجازی فر نمایش داده شد که به مهدی و حمید باکری می‌پرداخت و خواندناخواه مقایسه‌ای بین ۲فیلم اتفاق می‌افتد.

همیشه همینطور است. همانطور که درباره آن فیلم و فیلم‌های قبلی‌اش این اتفاق افتاده، در مورد فیلم‌های پرت‌ره جنگ همیشه این ماجرا وجود دارد.

از زمانی که محمدحسین مهدویان «با ایستاده در غبار» در جشنواره فجر مورد توجه قرار گرفت و بعد هم هادی حجازی‌فر با «موقعیت مهدی» در جشنواره تحسین شد، انتظارها از فیلم‌هایی که درباره سرداران جنگ ساخته می‌شوند، بالا رفته است. با چنین انتظاری برای شما سخت نبود که در تجربه اول تان سراغ این سوژه بروید



متن اخبار یکی، دو پیچ سینمایی نوشته شده بود فیلم به مهدی و مجید زین‌الدین می‌پردازد؛ اغلب آدم‌ها آمده و تذکر داده بودند چرا کلمه شهید را ننوخته‌اید و این چه ادبیات و چه تنظیم خبری است و چرا بی‌احترامی می‌کنید؟ آن‌هم در پیچ‌های سینمایی که اغلب آدم‌ها شاید قربانی با این فضا نداشته باشند. من خودم خیلی حیرت کردم از این عکس‌العمل‌ها. هدف‌گذاری من هم برای مخاطب همین بخش از افراد بود. به‌رحال آن دوستانی که در این حال‌وهوا هستند یا به حاکمیت نزدیکند، دنبال این چیزها می‌روند و ما هم نخواهیم، می‌گردند و پیدا می‌کنند و فیلم را می‌بینند. مسئله این است که فیلم در اختیار کسانی قرار بگیرد که اهل این موضوعات نیستند و بتوانیم روی آنها اثر بگذاریم.

تحقیق و پژوهش فیلم چه روندی را طی کرد تا به فیلمنامه رسیدید و فیلمنامه چقدر زمان برد؟
تحقیق و پژوهش کار از سال‌ها قبل شروع شده بود. عرض کردم چند فیلمساز از جمله حسین مهدویان سال ۱۳۹۳ یک‌سال درگیر این پروژه بودند که راجع به آقا مهدی فیلم بسازند و یک پژوهش مفصل توسط حسین و تیمش انجام شده بود. در نهایت به توافق نرسیده بودند که فیلمنامه‌ای که نوشته بودند ساخته شود. من این پژوهش را داشتم. یک پژوهش دیگری هم بود که تیم دیگری کار کرده بود. یک پژوهشگر تخصصی حوزه جنگ به مجموعه اضافه کردیم که ایشان با تیمش فوق‌العاده کار کردند و همه پژوهش‌های قبلی را گردآوری و دسته‌بندی کردند. جاهایی که نیاز بود تخصصی‌تر کار کنیم، کامل کردند. یک دوره تکمیلی یک‌ساله را در پژوهش گذراندم تا یک پژوهش جامع به‌دست آمد. بعد رفتم سراغ فیلمنامه. فیلمنامه از اساس یک سال‌ونیم زمان برد تا به نتیجه نهایی رسیدیم.

شما فیلم مستندی هم درباره عملیات خیبر ساخته‌اید.

مستندی دارم به نام «نبرد مجنون» که درباره عملیات خیبر است. مجموعه‌ای کار کرده بودم به نام «نبردهای ماندگار» که یکی از قسمت‌هایش درباره عملیات خیبر بود.

۱۳۰-۲۰ نفری از عوامل، مخاطب سینمای دفاع‌مقدس ربطی هم ندارد مربوط به کدام نسل باشد، برای این افراد همیشه احترام قائل است و خیلی زود هم به من ثابت شد که به آقا مهدی زین‌الدین و این فیلم نگرش مثبتی دارد و اگر ما درست کار کرده باشیم، چه بهتر و اگر خدایی ناگردد از پس ماجرا برنیامده باشیم، مخاطب هم عکس‌العمل نشان می‌دهد.

چه جوری به شما ثابت شد؟

وقتی اخبار فیلم بیرون آمد، آدم‌هایی در فضای مجازی که به‌نظر نمی‌رسید قربانی با حاکمیت یا این موضوعات داشته باشند، بسیار با احترام با موضوع برخورد کردند. در

است و دیالوگ ندارد و از مجموعه مصاحبه‌ها و تکه‌های بی‌سیم ساخته شده است.

درواقع برای صداهای مستند و واقعی تصویر ساخته بودند.

دقیقا و بخش تصویری‌اش بازسازی شده به سبک «آخرین روزهای زمستان.» کار ما این شکلی نیست و به سینمای داستانی مر سوم خیلی نزدیک‌تر است، اما سعی کردیم نوع میزانشن‌ها، دکوپاژها، بازی‌ها، دیالوگ‌ها و خلق درام در باورپذیرترین شکل ممکن باشد و از این جهت سعی کردیم که به سینمای مستند نزدیک شویم.

از نمونه‌های خارجی یا داخلی، فیلم یا کارگردانی بود که تحت تأثیرش باشید؟

تأثیری که گرفتم از سینمای داستانی نبود، از مستندهای روایت فتح بود. در مجموعه سوم روایت فتح، آقا مرتضی اوینی ۳۰۲ تا کار دارد به اسم «شب عاشورایی»، «باتک روز چهارم»، «جاده» و «سقوط». به لحاظ فضاسازی تحت‌تأثیر این چند مستند بودم تا

سینمای داستانی، چه هالیوود و چه داخلی دیده‌ام. عادت دارم فیلم خوبی را که دوستش دارم، زیاد می‌بینم؛ مثلاً نمی‌دانم «تجات سرباز رایان» را چندبار دیده‌ام، ولی خیلی زیاد دیده‌ام یا فیلم‌های ایرانی که دوست دارم یا خود همین «ایستاده در غبار» را. در همین دوره‌ای که در روایت فتح بودیم، با حسین و خیلی از دوستانی که هنوز در سینمای مستند کار می‌کنند و اگر وارد سینمای داستانی می‌شدند، خیلی بهتر از خیلی‌های دیگر کار می‌کردند، فضایی شکل گرفت که خیلی اتفاق خوبی بود و همه در آن تحت‌تأثیر سینمای مستند بودند و با خودش آورده داشته؛ مثل «ایستاده در غبار» و آقسمت «ماجرای نیمروز».

اول سینما برای شما مهم بود و در آینده هم چه‌بسا فیلم‌های متفاوتی از «مجنون» بسازید یا اول ماهیمی برای شما اولویت داشت که فکر کردید برای بیان‌شان می‌توانید از سینما استفاده کنید؟ درواقع فرم شما را به سینما کشاند یا مضمون؟

نه اینکه سینما برای من موضوعیت نداشته باشد که قطعاً به‌خاطر ماهیت سینما جذبش شدم، ولی انگیزه‌ام برای ورود به سینمای داستانی، سینما نبود حقیقتش؛ آقا مهدی زین‌الدین بود؛ چون نمی‌شد در سینمای مستند فیلمی درباره‌اش ساخت. در مورد آخرین مستند سینمایی که ساختم به نام «۱۸هزار پا»، موضوعیش برای من محتوایی بود که به آن پرداختم. محاصره شدن مردم ۲شهر که ۵سال در محاصره بودند و بچه‌هایی که به دنیا می‌آمدند تا سال‌ها نمی‌دانستند شکلات چیست و وقتی از محاصره آمدند بیرون، پرتقال را با پوست گاز می‌زدند و تنها چیزی که در محاصره خورده بودند نان بود. آنجا محتوا برایم انسانیت بود و پرداختن به اتفاقی که داشت برای مردم می‌افتاد، بیش از هر چیزی برایم مهم بود. اینجا هم در ورود به سینمای داستانی آقا مهدی زین‌الدین برایم اهمیت داشت؛ نه صرفاً خود سینمای داستانی.

این نوع نگاه شما به سینما باعث می‌شود به هر حال بخشی از مخاطبان در

قیال کار شما موضع‌گیری داشته باشند.
قیلا هم علیه ما موضع داشتند، زیاد هم داشتند. خیلی از دوستان که چه عرض کنم، خیلی از آدم‌ها دنبال بهانه می‌گردند که موضع‌گیری داشته باشند. من نه تنها نسبت به آنها، بلکه در برابر دوستانی از این طرف که می‌خوانند محصولی را که ما با سال‌ها بدبختی تولید می‌کنیم و محتوایش برایمان مهم است، به نفع جریان خاصی مصادره کنند هم گارد دارم و مقاومت می‌کنم و اجازه نمی‌دهم این اتفاق بیفتد. حالا ممکن است حال بعضی‌ها بد باشد، فریب خورده‌اند، معترض هستند، به آنها اهمیت داده نشده و من خیلی وقت‌ها خیلی‌های‌شان را درک می‌کنم و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهم، اما بعضی جریان‌های خاصی که با قصد و غرض خاصی موضع‌گیری می‌کنند، به‌شدت جلوگیری می‌ایستم. هر کی هر جوری دلش می‌خواهد فکر کند؛ تا مادامی که کار می‌کنم و می‌توانم تأثیرگذار باشم و بخشی از تاریخ را روایت کنم و روایت صادقانه داشته باشم و امانت‌دار باشم، مهم برایم مخاطب است.

نکته‌ای از فیلم هست که قبل از اکران فیلم از تماشاگران بخواهید به آن بیشتر توجه کنید؟

نه، فقط تماشاگران را به دیدن فیلم مردی دعوت می‌کنم که خیلی قهرمان بزرگی بود و وقتی داستان زندگی‌اش را می‌خوانی، فکر می‌کنی داری یک افسانه می‌خوانی، ولی این جوری نیست و واقعیت داشته است.

چیزی که من می‌بینم این است که شیفتگی شش‌پدی نسبت به برادران زین‌الدین و موضوع فیلم تان دار بد. این شیفتگی باعث شده که با فیلمی مواجه شویم که کاملاً در ستایش زین‌الدین است. در «ایستاده در غبار» مهدویان در جاهایی نسبت به خلقیات و تصمیمات متوسلیان نگاه انتقادی داشت و همین در جلب توجه آدم‌های مختلف به فیلم مؤثر بود.

نه، اتفاقاً قهرمان من هم باهیش خیلی روی زمین است؛ مثل احمد متوسلیان که همان موقع می‌گفتند خیلی تندخو بوده و گاهی خیلی زود تصمیم می‌گرفته است؛ فرشته که نبوده، آدم بوده؛ مثل من و شما. آدمی معمولی بوده که در زمان خاصی تصمیمی می‌گیرد که آن تصمیم متمایز و قهرمانش می‌کند. اتفاقاً استقبال از «ایستاده در غبار» و «آخرین روزهای زمستان» به‌دلیل وامداری‌شان به سینمای مستند بود و همین باعث شد که احمد متوسلیان و حسن باقری در آثار حسین مهدویان واقعی باشد.



روزنامه چهل‌و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵



چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۵